



شنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۱ ■ شماره ۳۵۵۴

بیزاری خورخه لوییس بورخس از فوتبال فراتر از بحث‌های مربوط به زیبایی‌شناسی بود؛ در واقع، مشکل او با فرهنگ هواداران این ورزش بود که به‌عقیدهٔ بورخس به‌نوعی حمایت کورکورانهٔ مردم از رهبران وحشتناک‌ترین جنبش‌های سیاسی قرن بیستم منجر می‌شد! این نویسندهٔ آرژانتینی هرچند باور داشت فوتبال محبوب است اما در عین حال معتقد بود حماقت در این ورزش زیاد است.

بورخس فوتبال را خسته‌کننده می‌دانست، چراکه امتیازهای مساوی در آن بسیار زیادند و او در مواجههٔ با این ورزش واکنشی چنین داشت: «من نمی‌توانم صدمات ساختگی را تحمل کنم». از منظر زیبایی‌شنایی، او فوتبال را «زشت» می‌پنداشت و معتقد بود که این ورزش «یکی از بزرگترین جنایات انگلیسی‌ها» است و ظاهراً حتی یکی از سخنرانی‌هایش را طوری برنامه‌ریزی کرد که عمداً با اولین بازی آرژانتین در جام جهانی ۱۹۷۸ هم‌زمان شود.

تحلیل جالب خورخه لوییس بورخس درباره هواداران فوتبال

اما در حقیقت تنفر بورخس از این ورزش ناشی از چیزی بسیار نگران‌کننده‌تر از زیبایی‌شناسی بود. در واقع، مشکل او با فرهنگ هواداران این ورزش بود که به‌عقیدهٔ بورخس به‌نوعی حمایت کورکورانهٔ مردم از رهبران وحشتناک‌ترین جنبش‌های سیاسی قرن بیستم منجر می‌شد! بورخس که قدرت‌طلبی را در فوتبال وحشتناک می‌پنداشت، می‌گفت که فوتبال به‌طور جدایی‌ناپذیری با ناسیونالیسم گره خورده است.

ساخترهای فوتبال‌محور همیشه جذاب و هیجان‌انگیز بوده و مخاطبان خاص خود را هم داشته است. غیرقابل پیش بینی بودن نتیجه مسابقات، نمایش تکنیک‌های فردی و گروهی، شور و تصویات ملی، همه و همه از ویژگی‌های فوتبال است که به تبع آن، مخاطبان زیادی را به خود اختصاص می‌دهد و باعث شده ساختارهای فوتبال‌محور از جمله

انیمیشن‌های فوتبالی، از برنامه‌های پرپینده دنیا محسوب شوند. سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت تنها دستاورد انیمیشن‌های فوتبالی نیست؛ برای مثال انیمیشن «فوتبالیست‌ها» را می‌توان الهام‌بخش رشد فوتبال ژاپن دانست. «فوتبالیست‌ها» یکی از به‌یادماندنی‌ترین برنامه‌های دههٔ ۸۰ میلادی محسوب می‌شوند که در کشور ما نیز با استقبال بی‌نظیری روبه‌رو شد.

در مقاطعی تلاش شد نمونه‌های داخلی این کارتون ساخته شود اما این تولیدات آن‌قدر که باید و شاید موفقیت‌آمیز نبودند؛ به نحوی که امروز می‌توان به قطعیت گفت تا کنون انیمیشنی با کیفیت قابل قبول و در شان تیم فوتبال کشورمان نشده است؛ این در صورتی است که تلوزیون کشورهای دیگر با گذشتن از مرز تولید و پخش کارتون‌های فوتبالی دربارهٔ تیم‌های ملی خود، حالا به ساخت انیمیشن با موضوع تیم‌های فوتبال باشگاهی رسیده‌اند. سربال انیمیشن «آکادمی آبی آسمان» با داستان آکادمی تعلیم و تمرین تیم فوتبال منچسترستین از جمله همین کارهاست.

در همین راستا علیرضا گلیاگانی – تهیه‌کننده انیمیشن‌هایی نظیر «فوتبال مدرن» و «پهلوانان» – علت ضعف در حوزه تولید و پخش کارتون‌های فوتبالی در داخل کشور را بیان کرد.

گلیاگانی علت اصلی را سختی کار دانست و افزود: همه ما مجموعه «فوتبالیست‌ها» را دیده‌ایم که افراد را به ورزش ترغیب می‌کرد اما ساخت انیمیشن این چنینی کار ساده‌ای نیست و جای آن در کشور ما خالی است. در انیمیشن نیز برخلاف تصور عموم محدودیت وجود دارد و برای تولید آن به تکنیک قوی نیاز است.

او ادامه داد: در مقایسه با کارهای خارجی، قطعا قیاس مع‌الفرق اتفاق می‌افتد و نمی‌توان کارها را با هم مقایسه کرد؛ اما ما فکر می‌کنیم تنها جایی که می‌توانیم با محصولات خارجی رقابت کنیم، در محور داستان‌هاست.

ایین تهیه‌کننده مجموعه‌های انیمیشن، راز موفقیت این کارها را قصبه‌گویی درست دانست و اضافه کرد: اغلب مشکل ما در قصبه‌گویی رخ می‌دهد و راز موفقیت این انیمیشن‌ها داستان‌گویی است. فیلم‌نامه‌نویسی کار بسیار دشواری است و به نظر من فیلم‌نامه‌نویس باید به اندازه کارگردان دستمزد دریافت کند. ما در انیمیشن کشورمان خلاء داستان داریم. دانستنِ قواعد فیلم‌نامه‌نویسی با فیلم‌نامه نوشتن متفاوت است. من شخصا در دنیای انیمیشن ایران چنین چیزی ندیدم و فیلم‌نامه‌نویسی انیمیشن به‌عنوان یک شغل در ایران وجود ندارد. کودکان ما نیاز به قهرمان در انیمیشن‌ها دارند تا ما بتوانیم حرف‌ها و پندها را توسط قهرمان‌های ملی و مذهبی



چگونه یک برنامه از شبکه قرآن در جهان مطرح می شود؟

مجتبی قاسمی، تهیه کننده و کارگردان فیلم کوتاه «جوراب رنگی» که اثرش جزو نامزدهای نهایی جشنواره مسابقه ABU (اتحادیه رادیو و تلوویزیون های آسیا و اقیانوسیه شناخته شده است، می گوید: از شعارزدگی در کارمان پرهیز کردیم و از همان ابتدا شبکه قرآن را قانع کردیم تا کل درشت نباشیم و دغدغه مردم باشیم. او با تاکید بر اینکه بیننده نباید ذره ای حس کند به او درس اخلاقی می دهیم، معتقد است: پرهیز از شعارزدگی و لطافتی که داستان به همراه داشت، باعث موفقیت «جوراب رنگی» شد.

قاسمی درباره نگاه «جوراب رنگی» به بحث اخلاق گراییه در جامعه، دلایل موفقیت یک کار دینی اخلاقی در مسابقه ای بی یو و محدودیت هایی که برای تولید این اثر داشتند توضیحاتی را ارائه کرد.

وی ابتدا گفت: ما یک مجموعه داستانی فیلم های کوتاه با عنوان «رایحه» ساخته بودیم که هر قسمتی یک فیلم کوتاه چهار دقیقه ای بود و یک قسمت از فیلم با عنوان «جوراب رنگی» به جشنواره ای بی یو (ABU PRIZE ۲۰۲۲) در مرحله فینال میان چهار فیلم انتخاب شده که رقبایی از کشورهای نظیر ایتالیا، کرهجنوبی و مجارستان دارد. در واقع «جوراب رنگی» تنها کار تلویزیونی صداوسیما بود که به فینال راه پیدا کرد. این فیلمساز در توضیح محتوای فیلم «جوراب رنگی» خاطرنشان کرد: کار ما بیشتر اخلاقی است؛ در واقع ایین فیلم با هدف ترویج اخلاق گراییه در جامعه تولید شد و این طور نیست که مذهبی صرف باشد. ما مصادیق اجتماعی و رفتارهای اخلاق مدارانه و انسانی را در هر قسمت از این مجموعه

بیان می کنیم و داستان ها به گونه ای نیست که در آن شعار بدهیم.

قاسمی سپس در ادامه همین بحث درباره اینکه یک کار تلویزیونی با این موضوع و مخاطبان خاصی که دارد باید دارای چه ویژگی هایی باشد که بتواند در سطح جهانی مطرح شود و به مسابقات راه پیدا کند؟ اظهار کرد: من این سال ها در جشنواره های زیادی شرکت کردم و از پس



آنها یکسری تجربیات کسب کردم. فکر می کنم

داستان موجزی که این کار داشت و لطافتی که در داستان بود عامل موفقیت شد. «جوراب رنگی» یک فیلم کاملا لطیف انسانی، اخلاقی و به دور از شعارزدگی است. به نظر همین ویژگی‌ها کافی است تا یک کار ارزش هنری بالایی کسب کند چون معمولا اینگونه کارها به ورطه شعارزدگی می‌افتند.

سرگرمی برایشان تامین نمی‌شود و طبیعی است که آن‌ها به محصولات کشورهای دیگر رجوع می‌کنند که طبق فرهنگ کشور ما نیست. گلیاگانی ادامه داد: من فکر می‌کنم ژاپنی‌ها در ابتدا برای کودکان خودشان انیمیشن می‌سازند. البته فقط صادرات هم بخشی از اهداف مجوری‌شان است. این ساختار آنقدر در سراسر دنیا گسترده است که تقابل، تجارت و اقتصاد در آن دخیل می‌شود. کشورهایی که صاحب صنعت انیمیشن هستند، فرهنگ حاکم بر انیمیشن‌شان، فرهنگ کشور خودشان است. من به تحلیل این قضیه اشاره‌ای نمی‌کنم اما انگار ما برای کودکان خود، خوراک ذهنی خارجی تامین می‌کنیم. او سپس انیمیشن‌سازها را معلم فرهنگی جامعه دانست و گفت: ما تهیه‌کننده‌ها و کارگردان‌های انیمیشن خودمان را معلم‌های فرهنگی جامعه می‌دانیم و نیاز داریم مثل همه مواردی که مربوط به فرهنگ و هویت خودمان است، در این صنعت هم محصولات مرتبط داشته باشیم. این فعال حوزه انیمیشن با اشاره به این که پرداختن به ارزش‌های مذهبی در انیمیشن لازم است اما همه‌ی ماجرا نیست، گفت: ما تقریبا از سال ۷۸ فعالیت را شروع کردیم و جالب بود که به‌خاطر شروع این قضایا مدیران وقت معتقد بودند که سریعاً باید به سراغ ارزش‌های مذهبی رفت زیرا در هیچ جای دنیا انیمیشن مذهبی تولید نمی‌شود و انیمیشن‌ها صرفاً برای سرگرمی و اهداف دیگر هستند. این، حرف غلطی نیست اما همه ماجرا هم نیست. ما معتقد بودیم فن سرگرم‌سازی و جذب را هنوز تجربه نکردیم و یکی از دلایلی که میان‌برده‌های

ورزشی را تولید کردیم، همین موضوع بود. این تهیه‌کننده درباره مجموعه «فوتبال مدرن» اظهار کرد: ما در کنار «پهلوانان» مجموعه «فوتبال مدرن» را نیز داشتیم که متأسفانه ادامه پیدا نکرد و علش این بود که سفارش‌دهنده رغبتی نشان نداد؛ با اینکه پیشنهاددهنده خود ما بودیم و باید در سفارش‌دهنده این ترغیب را ایجاد می‌کردیم که هزینه‌های کار را تامین کند. همچنین مجموعه «آقای المپیک» را برای مرکز صبا ساینم که شخصیت آن آدمک لاغراندازی بود و ماجراهای خنده‌داری برای او پیش می‌آمد. این کارها از آنجایی که کوتاه بودند و بین برنامه‌های ورزشی و بلون تیتراژ پخش می‌شد، تصور همه این بود که این کارها محصول خارجی است. بعدها شخصیت دیگری به «آقای المپیک» اضافه شد و مجموعه «زیر و زنگنه» را تولید کردیم. هدف این بود که بتوانیم شوخی‌ها و سرگرمی‌های سالم داشته باشیم زیرا بعضی اوقات اینگونه تناعی می‌شد که شوخی‌ها عمدتاً از عرف تربیتی دور هستند و ما برای اینکه ثابت کنیم لزومی برای وجود

این محتواها نیست، این میان‌برده‌ها را تولید کردیم. او هدف اولیه از ساخت این میان‌برده‌ها را «تولید شوخی‌های مناسب و سرگرم‌سازی مخاطب با استفاده از محتوای ورزشی» دانست و افزود: مقوله شوخی این‌بار با ورزش اتفاق می‌افتاد که اتفاق مثبتی بود؛ زیرا وقتی شما با ورزش شوخی می‌کنید، دعوت به ورزش هم در آن جای می‌گیرد. این مقوله تا مسابقات جام جهانی دو دوره پیش ادامه داشت و مجموعه «فوتبال مدرن» تولید شد زیرا جام‌جهانی فرصت بسیار خوبی برای شوخی کردن با این فضا بود. این مجموعه در کشورهای دیگر مثل ترکیه و فرانسه مورد توجه قرار گرفت به نحوی که می‌توانستیم از آن‌ها سفارش بگیریم.

گلیاگانی به «حضور ایران در جام جهانی ۲۰۱۴» اشاره و از آن به عنوان هدف دوم یادکرد و افزود: با چند واسطه با تهیه‌کنندگان صحبت کردیم که از این کار حمایت کنند اما متأسفانه به‌دلیل حضور پررنگ تبلیغات در آن ایام، قیمت تاپیه‌ها به قدری بالا بود که نمی‌شد آن را به میان‌برده اختصاص داد. نهایتاً با یکی از مدیران داخلی صبا به توافق رسیدیم و او هم این تشخیص را داد و از آن استقبال کرد. سپس با حمایت آقای لیوانی، مدیر وقت صبا این مجموعه تولید شد. واکنش‌ها نسبت به این مجموعه فوق‌العاده بود و در همان زمان محدود از آن استقبال شد.

تهیه‌کننده «فوتبال مدرن» به‌بودجه ناکافی برای تولید این مجموعه انیمیشن اشاره کرد و افزود: من اینطور حدس می‌زنم که علت ادامه پیدا نکردن این مجموعه این بود که تهیه‌کنندگان معتقد بودند اگر از مرکز صبا برنامه آماده دریافت کنند، بودجه کافی برای برنامه‌ها به آن‌ها داده نمی‌شود اما اگر بخواهند به تولید انیمیشن بپردازند می‌توانند بودجه دریافت کنند.

او با اعتقاد بر اینکه خلایقت در ملن مقوله مهمی است، در این زمینه ادامه داد: علی‌درشنسی خالق مجموعه «دبرین‌دبرین» در «فوتبال مدرن» به عنوان نویسنده حضور داشت. تیم بسیار قوی، کارگردانی خوب و شوخی‌های بانمک به وجود آمد که این‌ها اگر در هر جای دنیا کار هم قرار می‌گرفت و مخاطب هم داشت، به این معنا بود که باید ادامه پیدا کند؛ زیرا خلایقت در ملن آنقدر کم و سخت است که نباید آن را به‌راحتی از دست داد.

او یادآور شد: با وجود اینکه مجموعه فوتبال مدرن در جشنواره داخلی جام‌جم جایزه گرفت اما متأسفانه به علت استفاده نکردن از این میان‌برده‌ها و ندانستن سفارش‌دهنده، مدیران مرکز صبا خود به‌خود به این نتیجه رسیدند که پخش را متوقف کنند. بنابراین تیم بسیار خوبی که جمع شده بودند، سراغ کارهای دیگری رفتند. جای این مجموعه‌ها همیشه در شبکه‌ها و همین‌طور فضای مجازی خالی است. باید از این افراد توانمند و بااستعداد حمایت و شرایط تولید این مجموعه‌ها فراهم می‌شد.

تهیه‌کننده «فوتبال مدرن» این‌بار درباره تولید «والیبال مدرن» گفت: مجموعه دیگری نیز با نام «والیبال مدرن» تولید کردیم زیرا تکرار و تداوم است که کار را تثبیت می‌کند. برای مثال از آنجا که مجموعه تلویزیونی «کلاقوقرمز» ادامه داشت، ماندگار شد.

از آنجایی که والیبال در کشور ما از محبوبیت برخوردار است، «والیبال مدرن» را با همان فضا و همان تیم ادامه دادیم اما متأسفانه بعد از پایان مسابقات با وجود اصرار ما پخش آن هم متوقف شد.

او به نکته عجیب دیگری در این زمینه اشاره کرد و افزود: کارهای زیر پنج دقیقه برای پخش از آنتن مشکل دارند و در جدول پخش شبکه‌ها قرار نمی‌گیرند؛ این مساله هم برای مدیران تلویزیون مشخص نیست.

این دست برنامه‌ها برای مدیران تلویزیون مشخص نیست. این تهیه‌کننده در پایان از ادامه یافتن این مجموعه‌های انیمیشن ورزشی اظهار تأسف کرد و گفت: این مجموعه‌ها فضای مفرحی ایجاد می‌کرد و شوخی مناسبی داشت و موضوع ورزش را مطرح می‌کرد و به زمان خاصی نیز احتیاج نداشت زیرا این مدل از شوخی‌ها تاریخ صرف ندارد و همیشه از مخاطب لبخند و خنده می‌گیرند اما متأسفانه تولید آن به دلیل اختصاص یافتن بودجه و حمایت لازم ادامه نیافت و به همین دلیل مرکز صبا از تولید این میان‌برده‌ها منصرف شد و حالا جای آن در شبکه‌ها خالی است.



فرهنگ‌وهنر ۷

اخبار کوتاه

بررسی پشت پرده نفت در یک کتاب



«دنیای پنهان نفت» نوشته کن سیلورستین با ترجمه پیروز اشرف منتشر شد.

در بخشی از مقدمه آمده است: موضوع این کتاب جست‌وجو در روابط پشت‌پرده دنیای نفت است، و طی آن نقش ناگفته اما مهم بازیگران متنوع صحنه اقتصاد سوخت فسیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این بازیگران به‌عنوان کارچاقی‌کن، معامله‌گر و لایبگر معمولاً مالک یا بهره‌بردار پالایشگاه‌ها یا چاه‌های نفت نیستند؛ با این حال، بر مبنای دریافتی‌های غیرشفاف و زدوبندهای پشت پرده خود جریان امور کسب و کار انرژی را روان می‌کنند. آن‌ها عموماً تماس‌های سیاسی سطح بالا دارند که می‌توانند در صورت لزوم از آن برای برخورداری از حمایت قانونی استفاده کنند. در واقع موفقیت آن‌ها مبتنی بر ارتباطات نزدیکشان با مقامات بالای تصمیم‌گیرنده است. یک فعال نفتی سیوسی به من گفت، «شما مجبورید با دولت‌ها و وزرای مربوط زد و بند کنید و باید هوشیاران را داشته باشید. می‌توانید این رابطه را فسادآمیز بنامید، اما این بخشی از سیستم است.»

در نوشته پشت جلد کتاب نیز می‌خوانیم: نفت مایه حیات تمدن مدرن است. از همین رو، صنعتی که فراهم‌آورنده آن است موضوع مطالعات و کتاب‌های بی‌شمار بوده است. با این همه، تاکنون به افراد کمترشناخته‌ای که دست در دست‌دولت‌ها و شرکت‌های چندملیتی بقای این صنعت را تضمین می‌کنند، چندان توجهی نشده است؛ یعنی دللان، کارچاقی‌کن‌ها، لایبگران، گنگسترها، و دیکتاتورها. کامیاش تمام مراحل فرآوری نفت، از کشف تا مصرف، از طریق روابط مخفی و فساد و خشونت تسهیل می‌شود، هرچند که عموم مردم چندان چیزی از این همه ندانند. کن سیلورستین در این نمونه برجسته از گزارشگری تحقیقی، داستان این جهان عیدتا پنهان را روایت می‌کند.

تشریه نشین درباره این کتاب نوشته است: نگاه دقیق این افشاگری گیرا و پرشتاب متوجه واسطه‌ها و معامله‌گرانی است که وجودشان برای صنعت نفت ضروری است. کن سیلورستین همچنین به موسسات حقوقی آمریکایی و لایبگبران و آژانس‌های روابط عمومی می‌پردازد که در کار حفاظت از دیکتاتورهای نفتی و لاپوشانی سوابق آن‌ها هستند. مایکل کلر، نویسنده «مسابقه بر سر آنچه باقی مانده» هم درباره کتاب نوشته است: بعد از خواندن این کتاب ناگفتان به نفت دیگر مثل قبل نخواهد بود.

همچنین «فاینشال تایمز» نیز می‌نویسد: سفری جذاب به تیره و تارترین شکاف‌های صنعت نفت.

«دنیای پنهان نفت» نوشته کن سیلورستین با ترجمه پیروز اشرف در ۲۳۰ صفحه با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و با قیمت ۱۵۰ هزار تومان در فرهنگ نشر نو با همکاری نشر آسیم عرضه شده است.



نگاهی به دو آیین «تیغ داغ» و «گل غلطان»

«تیغ داغ» و «خواباندن کودک در گل»، دو آیین درحال انقراض استان کرمان بودند که پس از ثبت آن‌ها در فهرست میراث ناملموس، بار دیگر زنده شده و در نقاطی از این استان دوباره اجرا می‌شوند.

«تیغ داغ» یکی از آیین‌های درمانی طب سنتی در استان کرمان است که سال ۱۳۹۱ با شماره ۹۷۰ در فهرست میراث ناملموس به ثبت رسیده است. این آیین را برای کودکان و برخی از بزرگسالان با هدف درمان سردرد و بیماری‌هایی مانند لپلپ (گرفتگی بینی) انجام می‌دهد و معمولاً توسط خانومی اجرا می‌شود که مهارت طب سنتی دارد.

در رسم تیغ داغ، با کرباس آبدیده (نوعی پارچه نئشته) فیتیله درست می‌کنند و آن را آتش می‌زنند، سپس روی پیشانی، گوش‌ها یا مالج بیمار را با آن داغ می‌کنند، بعد هم با تیغ برش‌هایی نازکی روی این قسمت‌ها می‌زنند تا خون‌گیری کنند (مانند حجامت).

روش داغ کردن و حجامت از روش‌های درمانی سنتی و قدیمی است که بسیاری از درمانگران سنتی بر این باور بوده و هستند و از چنین روش‌هایی بسیاری از بیماری‌ها قابل درمان هستند. آیین «تیغ داغ» نیز یکی از مراسمت درمانی قدیمی در کرمان است که بسیاری برای درمان سردرد از آن استفاده می‌کرده‌اندیکی از دیگر از آیین‌های درمانی استان کرمان غلطانن در گل یا خواباندن کودک در گل است که

در برخی از شهرهای دیگر ایران، مانند کاشان و دامغان هم برگزار می‌شود و در این شهرها بیشتر شناخته شده است، اما مردم کرمان هم هر سال این آیین را برای کودکان خود اجرا می‌کنند. «گل غلطان» در اردیبهشت ماه هر برگزار می‌شود و اغلب بچه‌های زیر یک سال را در انواع گل‌ها به ویژه گل‌محمدی می‌خواباند. این آیین با این باور برپا می‌شود واکسینه می‌شوند. آیین غلطانن در گل، در استان کرمان با نام «خواباندن کودک در گل» در سال ۱۳۹۱ با شماره ثبتی ۹۷۱ در فهرست میراث ناملموس به ثبت رسیده است.

همچنین این آیین به صورت «جشنواره ملی گل غلطان» اردیبهشت هر سال در محله تاریخی قلعه امیریه شهر دامغان از توابع استان سمنان برگزار می‌شود و یکی از آیین‌های منوی این استان با قدمت بیش از ۱۰۰ سال به شمار می‌آید، برخی معتقدند قدمت این رسم به بیش از ۴۰۰ سال می‌رسد. جشنواره گل غلطان در سال ۱۳۸۹ با شماره ثبت ۱۷۷ به‌عنوان نخستین اثر منوی استان سمنان در فهرست میراث ناملموس نیز به ثبت رسیده است.